

**کارگران! زحمتکشان! هموطنان مبارز و نیروهای
انقلابی و مترقی! برای تقویت هرچه بیشتر صف
نیروهای خلق از کاندیداهای مایشتیبانی کنید!**

کارگران و زحمتکشان! هموطنان مبارز!

مردم ویریدن انقلاب فروریزند. آری، زندگینامه این رفقا خود به تنهایی میتواند بسیاری حقایق را روشن نماید. می توان دید که آنها کوما هیت بسیاری از کسانی با شکلهای موج مبارزات مردم سوار شدند و نجات هم کثیف ترین خیانت ها و ضربات را بر همین انقلاب زدند. آیا می توان گفت این ضربات و خیانت های بعد از قیام ارتباطی با آن خانه نشینی ها، "مهاجرت ها" خارج نشینی ها و خیانت های گذشته آنها نداشتند است؟ خیر. اینها دقیقاً دو روی یک سکه هستند. انقلاب را فقط انقلابیون راستین می توانند رهبری کنند. این قانون بی چون و چرای انقلاب است. هر زمان که سرشوت و رهبری انقلاب بدست بازگان - ها، بزده ها، قتل زاده ها، چمران ها، بنی صدر - ها، صاغان ها و ولست طول و درازی از کسانی که یک عمر با بخت و دلت بین دادند و به مبارزه مردم پشت نمودند. آنوقت نتایجش همین می شود که در این یکسال شاهد بودیم. بی جهت و تصادفی هم نبود و نیست در حالیکه تنها یکسال از این مظلوم و شکوه مند خلق های قهرمان - مان می گذرد مردم با احساس می کنند که کلاه بزرگی بر سرشان رفته و غیر از افراد بسیار معدودی که در این سیستم به اعتبار گذشته آنها، به این سیستم حیثیت می دهند، اکثریت نزدیک به اتفاق آنها منتی حامی امپریالیسم و لیبرال و رنج و شهادت، کاسیکاری می هستند. ولی خلقی که قیام را از سر گذراند، انقلابیون - نی که در بدترین شرایط دیکتاتوری مبارزه نمودند محال است به بورژواهای نوریسیده و فرصت طلب و خائنینی که انقلاب را به این بست کشا ندند محال دهند که براجانی بتوانند برگردند مردم حکومت کنند. آنها دیر باز و در این فرصت ظلمان و مرتجعان نوریسیده را به جایگاه تاریخی خویش خواهند فرستاد. کما - اینکه تا همین امروز نیز به مدد فاش گرایی و فعالیت های انقلابی انقلابیون و بخصوص کمونیست ها، پشته بسیاری از این شیادان بر روی آب افتاده است. و خواهم دید که چگونه بنیه نیز یکی بعد از دیگری تکلیفشان روشن می شود!

اینک با این توضیح به معرفی کاندیداهای خود میپردازیم و از کلیه کارگران و زحمتکشان و هموطنان مبارز و از کلیه نیروهای انقلابی و مترقی میخواهم که برای تقویت هرچه بیشتر صف نیروهای خلق از کاندیداهای سازمان ما پشتیبانی کنند.

که کسانی که امروز خود را "انقلابی" و "جاسوسی" مستمعین معرفی می کنند در گذشته و در زمان شاه چه می کردند؟ آیا طرفدار قانون اساسی بوده اند؟ آیا خارج نشینی و فرصت طلب بوده اند؟ آیا فقط به سه خواندن نماز جماعت در مساجد و آهسته و آهسته مشغول بوده اند؟ و یا برعکس در گذشته با تمام وجود و فداکاری علیه نظام مملطنتی، علیه امپریالیسم و علیه استعمار و سیستم طبقاتی پیکار کرده اند؟ آری کاندیدی که شما انتخاب می کنید با پستی مبارز و انقلابی پیکار در زمان شاه، و همواره وفادار به زحمتکشان باشد. برای این است که ما کاندیدای های خود را بشما معرفی می کنیم. ما سوابق مبارزاتی آنها و رنجها و مصائبی را که آنها در طی سالها در ازاد میارده علیه رژیم شاه و امپریالیسم متحصل گشته اند برایتان بازگو می کنیم. به برای کاسیکاری و سوداگری، به برای منت گذاشتن بر کسی، نه! برای اینکه به شما نشان دهیم که چه کسانی در راه

کاندیداهای زحمتکشان بایستی مبارز و انقلابی در زمان شاه و همواره وفادار به آنها باشند

مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم شاه و بیخاطرهای کارگران از قید استعمار و دقتا به وفادار کاران و محاسن بودند تا پای جان پیش روند. وجهه کسانی در همین سالها ما نتوانیم در سوراخهایشان خزیده بودند. آری لازم است و بسیار لازم است که زندگی نامه این چنین رفقا را در دهها بار و دهها بار به شما نشان دهیم تا فرصت طلبان و ملیوچینان و خائنین خلق، بورژواهای حریص و در کمین و کسانی که مثل موش در این سالها در سوراخهایشان خزیده بودند، افتاد و رسوا شوند. آنها به سوراخهایشان خزیده بودند تا در فرصت مناسب برگردند. خلق و موج مبارزات آنها سوار شوند و زهر سازشکاری و خیانت خودشان را بر حرکت

اینک در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی قرار گرفته ایم. انتخاباتی که برای زحمتکشان یک معنا و برای سرمایه داران و زمین داران بزرگ و زالیست و برای تجار و روشنفکران معنای دیگری دارد. کارگران و دیکترینجیران در این انتخابات شرکت می کنند تا بلکه به برخی از خواسته های خود در زمینه استقلال، رفاه و آزادی برسند. آنها نمانده خود را برای این اساسی که تا چه حد برای آنها دلسوز است تا چه حد دردها و رنجهای آنها را درک می کند، انتخاب می کنند. اما سرمایه داران چگونه؟ زمین داران چگونه؟ تجار و روشنفکران چگونه؟ انتخابات می نگرند؟ آنها به استعمار بیشتر، غارت بیشتر و بهره کشی بیشتر فکر می کنند. و نمایندگان خود را نیز بر همین اساس انتخاب می کنند. آنها کسان را به نمایندگی انتخاب می کنند که قدرت بیشتر را برای آنها تضمین کند. آنها دنبال کسان می روند که "نظم و انضباط" مورد نظر آنها را برقرار سازد. نظم و انضباطی که یکجا نباشد و فقط به سود سرمایه داران و تجار تمام نمیشود. به نفع زحمتکشان. اما آنها نمایندگان سرمایه داران و زمین داران در کوچه و بازار قریب می زنند که ما برای خدمت به سرمایه داران و برای تضمین بیشتر غارت و استثمار گران به مجلس می رویم؟ آیا آنها به زحمتکشان می گویند که ما برای با شما مال کردن حقوق شما به مجلس می رویم؟ هرگز! آنها اینقدر احمق نیستند آنها خوب می دانند که اکثریت مردم ما معرا کارگران و زحمتکشان تشکیل می دهند. بنا بر این به رای آنها نیاز دارند. پس با حرف های خوش آب و رنگ و با حیل و تدبیر آنها را می فریبند. آنها خود را بقول خودشان حامی "مستضعفین" معرفی میکنند در حالیکه با خود کارخانه داران و زمین داران هستند و با خدمتگزاران و نماینده آنها. آنها بجموع دم ز اسلام می زنند تا از احساسات مردم سوءاستفاده کنند. در حالیکه زحمتکشان خود در همین یکسال اخیر شاهد بودند که چه چهره های مقدس مآب که نماینده آنها بر همه معلوم نگردید. بنا بر این کارگران و زحمتکشان! شما که در همین یکسال گذشته شاهد کردار و عمل بسیاری از خرافان و پیرگوهای شیرینک با زبانشین لیبرال گرفته تا خرده بورژواهای مرفه بوده اید هرگز نباید صرف حرف بظا هر خوب به کسی اعتماد نکنید. در این میان یکی از معیارهای شما با پستی سوابق کاندیداهای در دوران شاه باشد. لازم است همه بدانند

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



۱- رفیق علیرضا سپاسی آشتیانی

رفیق در سال ۱۳۲۳ در آشتیان در خانواده‌ای متوسط متولد شد. سن کودکی و نوجوانی را در همانجا گذراند و در سن ۱۵ سالگی به تهران آمد. در رابطه با جویای-مذهبی خانواده‌اش سرعت وارد مسائل سیاسی شده و نسبت به مبارزات سیاسی و ضد رژیم‌های عراق و فرارواشی نشان میدهد. در سالهای ۴۲ - ۳۹ که مبارزات بوده‌ها علیه امپریالیسم و رژیم ارتجاعی شاهنشاهی و جنبش خونین بافته بود. دورانی است که رفیق با امورا اجتماعی و سیاسی جامعه بیشتر آشنا شده و به این مبارزات کشیده میشود. این مبارزات بوده‌ای که در آنموقع عمدتاً حول شرکت در سخنرانی‌ها و محافل سیاسی مذهبی و شرکت در تظاهرات خیابانی و میتینگ‌ها دور میزد. رفیق را که در آنموقع فردی مذهبی بود بر آن داشت که در جستجوی برداشتهای مبارزه جویانه از مذهب رفته و از این پس تبدیل به یک مذهبی متعهد و سیاسی شود. در همین دوره است که او به اختلافات فاحش طبقاتی جامعه و تکلیف و بدبختی میلیونها توده زحمتکش تحت ستم جامعه و فشارهای جبر آنان و همشایر بجهت کرب و رنج شده - کار و غارتگریایی برده و این مسئله نقش بارزی در شکل گیری روحیه طرز تفکر و طبقاتی و ضد استعماری او بجای می گذارد. او در آن دوران دوره هدف اصلی زندگی خویش را باز یافتن و به مبارزه انقلابی با رژیم شاه و بعنوان یک تبعه انقلابی و مذهبی و بعنوان یک امر مقدس فکر میکند. او به دنبال تشکیلاتی می‌گردد و به مبارزات آن، او قتل ازور و به دنبال تشکیلات و در بدو آن قبل از آنکه بخود تشکیلاتی فکر می‌کند، به مبارزات برشوری که در آن جریان دارد فکر می‌کند. شور و شوق مبارزات دانشجویان در آن زمان رفیق را همانند بسیاری از هموطنان مبارز که تشکیلات و دانشجویان انقلابی را تشکیل می‌دهند و پذیرای خلق می‌باشند، دانستند. ستایش و امید داشت و آرزو میکرد که بتواند خود در این سنگر قرار بگیرد و گرفت. رفیق پس از قبول شدن در رشته مهندسی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، امکانات مناسبی برای مبارزه بدست آورد و در سال ۵۰ هنگامیکه در سال ششم

معماری بود، زندگی مخفی را آغاز نمود. با سرکوب قیام ۱۵ خرداد دیکتاتور دیگر مبارزات پر خروش خلق سرکوب شد. امپریالیسم را دیگر چنگ و دندان نشان داد و رژیم وابسته شاه دوباره حاکمیت مطلق خویش را باز یافت. و چکمه یوتان شاه بر مردم مسلط گردیدند. حالت شکست و ناامیدی برجسته شده‌ها ظاهر گشت. رفیق در دوره بعد از قیام ۱۵ خرداد که خود فعلاً نه در آن شرکت داشت هم اندیشه‌های به ناگهانی بود در مبارزات غیر مسلحانه پی برده ولی در مقابلش راه حلی را ندیده و نمی‌دانست که باید چگونه داشت. تشکیلات و مبارزات مخفی و مسلح اولین چیزهایی بود که ذهن بسیاری از روشنفکران و جوانان انقلابی را در آن زمان مشغول می‌نمود و رفیق ما هم از جمله آنها بود. به همین جهت زمانی که یک جریان مذهبی (حزب ملل اسلامی) در این زمان با هدف سرنگونی رژیم پهلوی و به وجود آمده بود و به او پیشنهاد همکاری و عضویت میداد، او که با کشیده خویش را در زمینه چگونگی مبارزه با قتل و شکنجه و شکنجه و به این گسرومی پیوندد. مدت زیادی نمی‌گذشت که این گسروم هم اندیشه‌های از گروه‌های آن زمان بدلیل ضعف و نبود تجربه سیاسی و نشان تفکر و اسلوب علمی مبارزه، به تئوریلین افتاده و تمام اعضای آن دستگیری شوند و رفیق ما هم در آن زمانه سال ۴۴ دستگیر و در دادگاه به دو سال زندان محکوم می‌شود. زندان فرصت مناسبی برای آشنایی با مسائل سیاسی و مبارزاتی برای او فراهم میکند. رفیق در سال ۴۶ با عزمی راسخ تراز گذشته در مبارزه علیه رژیم شاه از زندان آزاد میشود. سلاطین بعد از آزادی علیرضا را به تشکیلات و غیر مستقیم از طرف ساواک تحت نظر قرار می‌گرفت. رفیق با استفاده از تجربیات گذشته در زمینه مخفی کاری، به اتفاق دو نفر از همزمان سابقش، گروهی مذهبی بنام "حزب الله" را پی ریزی می‌نمایند. این گروه بعد از نیمه دوم سال ۵۰ به سازمان مجاهدین خلق ایران می‌پیوندد. زندگی مخفی رفیق از همین زمان آغاز می‌شود.

در دوران سازمان مجاهدین خلق رفیق از جمله رزمندگان پر شور و فعال بود، از عملیات نظامی مهم رفیق در این دوره شرکت در یک خلع سلاح ناموفق و سپس فرار از جنگ پلیس و دیگری اعدام انقلابی سرشید سعید طهری افسر جناحینکا رژیم شاه بود که به اتفاق شهید محمد مفیدی انجام دادند. این عملیات که در آن یکی از معروفترین افسران جناحین کار رژیم شاه که دست بخون مدها نفر از هموطنان ما آغشته بودند نقش فعالی در سرکوب قیام ۱۵ خرداد داشت، مورد استقبال وسیع توده‌های خلق ما قرار گرفت. رفیق بدلیل حساسیتی که مخصوص بخاطر شرکت در این اعدام انقلابی نسبت به او داشتند، به شدت خائنه‌هاش مورد تعقیب پلیس و ساواک قرار گرفته بود.

رفیق علیرضا در طی ۷ سال کار مخفی و زیرزمینی چندین بار از جنگ مزدوران ساواک و پلیس آریا مهری فرار می‌نماید. رفیق در طی دومین فرست به خارج در رابطه با مأموریت‌های سازمانی چهار

بار از مرز گذشته و طی این مسافرت‌ها یکبار در مرز ایران توسط ژاندارمری با هویت جعلی دستگیر می‌شود که با طرح محمل‌های مناسب آزادی می‌شود و بار دیگر در افغانستان در رابطه با هویت جعلی در زمان داود خان دستگیری شود و بعداً یکبار در آنجا زندانی میشود. رفیق بعداً با طرح محمل مناسب از زندان آزاد و تحت نظر رسمی قرار می‌گیرد. و با استفاده از فرصت مناسبی فرار می‌نماید.

و اما ایدئولوژی و تفکرات سازمان مجاهدین خلق ایران که توسط بنیانگذاران اولیه آن تدوین شده بود، چیزی بود که از همان ابتدای رفیق ما با توجه به روحیه ضد استعماری و ضد طبقاتی اثر از یک طرف و داشتن طرز تفکر مذهبی از طرف دیگر به دنبال می‌گشت و از این جهت این سازمان در آن شرایط زمینه رشد خوبی از نظر ایدئولوژیک برایش فراهم می‌کند. ولی تفکرات ایدئولوژی مجاهدین علیرضا تمامی گیرایش در سیستم فکری مذهبی هرگز نتوانست جلوه حرکت او را گرفته و به بند بکشد. و سرانجام رفیق با توجه به تمامی شناخت و تجربه‌ای که در مبارزه چند ساله خود علیه امپریالیسم و شاهنشاهی و علیه استعمار بدست آورده بود و راه‌های واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان را در مارکسیسم-لنینیسم یافت و به آن گروید.

رفیق در دیماه ۵۳ در رابطه با مسئولیت‌های تشکیلاتی بطور مخفی به خارج کشور رفت و در اینجا بود که در مرز افغانستان دستگیر و بعداً یکبار زندانی گردید و سپس موفق گردید پس از فرار از جنگ ما مورس دولت داود خان از این کشور مخفیانه خارج گردد. رفیق در طی سالهایی که در خارج کشور بود از نزدیک در لبنان و عمان شاهد مبارزات عادلانه فلسطینی و فلسطینی و عمان بود. و جای حقیقی خود را در خارج کشور در کنار رفیق طلبان و دلالان سیاسی بلکه در رابطه با فعالیت‌های تدارکاتی سیاسی و تبلیغی سازمان در کنار این خلقها و توده‌های انقلابی دانشجویان ایرانی می‌یافت.

در شهریور ماه ۵۶، همزمان با اوجگیری مبارزات توده‌ها و مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان رفیق مخفیانه به سازمان ترکیه و اردلان گردید و از این پس رفیق در ده‌ها ایت و گسترش مبارزه ایدئولوژیک "مبارزه با سیاستها و نظرات افکارنا درست در درون سازمان" علیه رهبری سابق و انحرافات آن و همچنین انتقادات مبنی چریکی (مبارزه مسلحانه جدا از توده) نقش فعال و تعیین کننده‌ای بازی کرد و سهم مهمی در تغییر و تحولات نوین سازمان و زدودن آثار و عواقب انحرافات گذشته بازی نمود. در جریان پیشرفت مبارزه علیه نظرات گذشته و هنگامیکه بسیاری از عملکردهای نامحسوس گذشته افشا و طرد گردید و رهبری سابق از سازمان اخراج شد و سازمان به یکبار به شمره تلاش بزرگی که رفیق از سازمان از یکسال و نیم قبل در درون بخش منشعب شروع کرده بودند اعلام موجودیت کرد. رفیق در کنار دیگر رفقای پیش بقا لیت مبارزاتی خود در درون سازمان پیکارا ادامه داد.

★ ★ ★

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



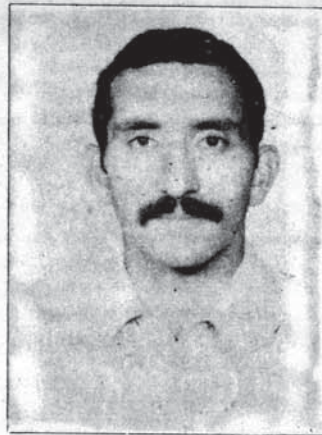
۲- رفیق مهری حیدرزاده

رفیق مهری حیدرزاده در ۱۶ فروردین ماه ۱۳۳۳ در تهران و در یک خانواده نسبتاً مرفه متولد شد. دوران دبیرستان با مطالعه کتبهای سودمند و با درجریان قرار گرفتن اخبار مربوط به تکیه انقلاب - سیون در زندان و ... ذهن او متوجه مسائل سیاسی گردید. هنگامیکه رفیق در سال ۵۲ در رشته ریست - سنی دانشکده علوم دانشگاه تهران قبول و وارد دانشگاه گردید اما گمانات بیستری برای دنبال کردن مسائل سیاسی و ساخت بیشتر اوضاع و احوال جامعه برایش فراهم گشت. در همین زمان بود که او با رفیق از یک محفل مارکسیسم - لنینیستی آشنا شد و به سرعت توانست با مطالعه کتبهای سیاسی - انقلابی و آشنائی با دردها و رنجهای زحمتکشان، شناخت لازم را برای شروع مبارزه جدی علیه رژیم شاه و امپریه - بالسم پیدا نماید. در سال ۵۴ محفلی که رفیق در آن فعالیت داشت توانست با بخش منصف از سازمان مجاهدین خلق تماسی برقرار نماید. از این پس رفیق زندگی علنی را رها کرد و به همراه رفیق همسرش و دیگر رفقای محفل در سازمان عضویت پیدا کرد. در ابتدا او به مدت کوتاهی در درون ساختن نظامی در کنار رفیق شهید منبزه افتخاری فعالیت میکرد، سپس در بخش کارگری سازمان مشغول فعالیت گردید، کجبه در آژمان بدلیل حاکمیت مبنی نادرست، رفقا از فعالیت خود در درون طبقه کارگر، بازده زیادی نمی توانستند داشته باشند، ولی رفیق با جدیت تمام مسئولیت های محوله را در این رابطه میپذیرفت و به پیشبرد خط سازمان در این رابطه کمک می نمود. در این دوره رفیق ابتدا تحت مسئولیت رفیق شهید جمال شریفزاده شیرازی و پس از شهادت رفیق جمال در یک جمع دیگر کارگری فعالیت می نمود.

در رابطه با وظایف تشکیلاتی در خانه کارگری رفیق مهری حیدرزاده مدتی در کارخانه ترقه زبیا و کارخانه کفش ملی کار کرد و بدین ترتیب امکان یافت که با دردها و رنجهای کارگران از نزدیک آشنا گردد و وظایف محوله را در میان این رنجبران به

پیش برد. همچنین بعدها رفیق در کارخانه کفش وین نیز مدتی کار کرد. این سه کارخانه زحمتکش موسساتی بودند که در آن سرمایه داران حداکثر استفاده را از نیروی کارزان می نمودند و با توجه به همین ویژگی کارخانه، رفیق امکان یافت که هر چه بیشتر با مسائل و دردها و رنجهای زنان کارگر در کارخانه آشنا گردد. و حقیقت ستودگارانه ای را که در حواصع طبقاتی نسبت به زنان اعمال می گردد، بطور عینی و در محیط کارخانه لمس نماید. این دوره برای رفیق درسهای زیادی بپهرا داد. و بر اساس همین درس ها است که او از ویژگی اراغای فعال سازمان در زمینه کار سیاسی - تشکیلاتی در بین زنان میباید. رفیق مهری حیدرزاده در جریان مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان و تصحیح مبنی سیاسی یکی از اراغای فعال سازمان بود و با مطالعه و کار رتئوریک جدی از یک طرف و استفاده از تمارب کار در میان کارگران توانست در دردمنی چریکی وریدن به مبنی انقلابی - سوده ای و اینکه به با مبارزه مسلحانه عده ای جوان انقلابی و فداکار بلکه با جنگ و قسام مسلحانه سوده ای است که میتوان رژیم وابسته شاه را نابود ساخت، نقش داشته باشد.

رفیق پس از طی مبارزه ایدئولوژیک درونی و اعلام موجودیت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، به مبارزه تکیه را به خود درآورد و آزادی تمامی خلقهای ایران از تسلط امپریالسم و حاکمیت ابرحاج و آزادی طبقه کارگر را بنیاد استعمار ادا نموده است.



۳- رفیق مرتضی (حسین) آلا دیوش

بسیاری از هموطنان ما به زندگی مبارزاتی این پیکارجوی انقلابی آشنائی دارند. زندگی سرشار از مبارزه سرخشان و مبارزه با رژیم جنایتکار شاه و تجاری که از این رهگذر بدست آورده، او را بمنوان یک انقلابی صمیمی، متواضع و وفادار به آرمان طبقه کارگر و رفقای زحمتکشان درآورده است.

رفیق مرتضی آلا دیوش در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده متوسط متولد شد. از سالهای ۳۲- ۳۰ و هم زمان با نهضت ملی شدن نفت در خانواده و یک جو سیاسی ضد سلطنتی حکمفرما بود و در همان خانواده بود که کم و بیش با مبارزات خلق آشنائی یافت. در سالهای ۴۲- ۳۹ گذر در دبیرستان علوی تهران در سن می خواند به طور فعال در جریان مبارزات توده ها شرکت داشت. و در تجربه خویش به پوچی شعارهای اصلاح طلبانه و امیدهای واهی ای که برخی از اقشار متوسط جامعه به مبارزات و احزاب آتروزیسته بودند پی برد و مطالبات و جستجوی خود را برای یافتن راه درست مبارزه ادا نمود. در سال ۱۳۴۳ در رشته طراحی دانشکده هنرهای زیبا قبول و وارد دانشگاه شد. ولی او هیچ وجه نمی توانست درس خواندن در چنان شرایطی را هدف خود قرار دهد و در جستجوی راه انقلاب پس از آشنائی با سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۸ به عضویت این سازمان درآمد. و پس از گذراندن آموزشهای اولیه بصورت یکی از کارهای فعال این سازمان به مبارزه خود ادا می داد. و سال و نیم فعالیت تشکیلاتی وی میگذشت که در پائیز سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و در سیدگاههای رژیم شاه به ۶ سال زندان محکوم گردید. رفیق در زندان نیز از مبارزه و جستجوی هر چه بیشتر اراغیهای بنیادی مشکلات جامعه دست برنداشت و در سال ۱۳۵۲ در زندان مارکسیسم - لنینیسم، این تنها ایدئولوژی رهائی بخش طبقه کارگر را پذیرفت. هنگامی که رفیق در زندان بود رژیم شاه حاشن ۴ تن از اعضای خانواده وی را به شهادت رسانید (دوسرادر و یک خواهر و همسر برادر). پس از ۶/۵ سال زندان در او خراسال ۵۶ از زندان آزاد شد و در سال ۵۷ به سازمان پیکار پیوست و به مبارزه خود برای آزادی کامل خلقها از قید امپریالسم و حاکمیت داخلی آنها و رهائی طبقه کارگر از قید استعمار ادا نمود.

پیام رادیویی رفیق مرتضی (حسین) آلا دیوش در جریان انتخابات مجلس خبرگان

کارگران، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران! ... ما توجیه اینکه دولت حاکم یک دولت سرمایه داریست و نمیتواند حامی و حافظ منافع زحمتکشان باشد از این رو مجلس خبرگان که توسط این دولت تشکیل میشود نمی تواند منافع مردم زحمتکشان را تامین کند. ما توجیه به این مسئله ما در این انتخابات شرکت نکرده ایم تا در مورد این ماده با آن ماده پیش نویس قانون اساسی بحث کنیم، بلکه نظرم این است که بنوامه خود را برای مردم زحمتکشان تبیین توضیح دهیم: ما خواهان چه جامعی هستیم؟ بطور خیلی ساده ما خواهان جامعی هستیم که در آن برابری کامل باشد. بولدار و فقیر وجود نداشته باشد. اینطور نباشد که یک عده مثل کارگران و دهقانان کار کنند، زحمت بکشند و خان بکشند و یک عده

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

ای که مردم ناآگاه را تحریک میکنند تا اعلامیه ها و تراکت های انتخاباتی کمونیستها و نیروهای انقلابی را پاره کنند و گمانیکه این ترسها را پخش میکنند به وسیله کمیتها دستگیر و کتک میخورند. آزادی انتخابانی میتواند معنایی داشته باشد؟ نه به نظر ما این انتخاب در شرایطی کاملاً غیر دموکراتیک برگزار میشود. اما این شیوه های هبشت حاکمه از سیاست هائی که تا کنون در پیش گرفته است جدا نیست. حمله به اجتماعات و میتینگها بوسیله عده ای جماعت بدست و عناصر ارتجاعی با سکوت دولت مورد تأیید قرار گرفته روزی به نام هائی که حقایق را بازگو میکنند شدیداً تحت فشار قرار گرفته اند به کتاب فروشی ها و روزنامه فروشیها حمله میکنند و روزنامه و کتابها را پاره پاره کرده و به آتش میکنند. مسئولین امر در اینمورد چه کرده اند؟ هیچ!

این است معنی آزادی؟

آیا کارگران حق اعتصاب دارند؟ یا اعتصابات آنان با بورژوازی و سهام افراد مسلح روبرو میشود؟ اگر حق اعتصاب دارند چرا کارگران پارس میگویند که به مسلسل میبندند؟ نیروی ویژه که همان اداره حفاظت سبیل است و کارگران بخوبی آن را میشناسند در کارخانه ها برای چه تشکیل شده؟ برای حمایت از کارفرما تا کارگران را سرکوب کند.

آیا کارگران حق نظاره را برای رسیدن به حقوق حقه خود را دارند؟ اگر دارند پس چرا اجتماع کارگران بیکار امپهان را به گلوله بستند و تاصرفیغیان را شهید کردند؟

چرا دولت در برابر این جامعه سکوت کرد؟

دفعات چطور؟

شوراهای دهفائی معدود و سرکوب میشوند.

چرا نباید دهفائاتی را که خود را صاحب شوند که خود را میگویند؟

چرا دهفائاتی باید توسط بانک ها و پیش خرها مورد ستم قرار گیرند؟

دولت با خلقها چه کرده است؟

خلق کرد و ترکمن در اولین بهار به انقلاب آزادی سرکوب شدند و دولت در مدد است که شهرهای کردستان را زیر حکومت نظامی درآورد. آیا این است معنی آزادی و حامل قیام بکمال و سیمه خلق مبارز ایران؟

می بینیم که دولت نه تنها به خواست اکثریت مردم ما پاسخ نداده است بلکه در مقابل به بازسازی ارتش، ژاندارمری و شهرسازی توسط فرماندهان سابق دست زده. رکن دو و سازمانهای اطلاعاتی را که عملاً کار ساواک را انجام میدهند دوباره بازسازی کرده و نیروهای انقلابی را دستگیر و شکنجه میکنند. چرا دولت بجای دفاع از منافع اکثریت تنها به فکر اقلیتی از سرمایه داران و خانی و فئودالها است؟ چون دولت حامی سرمایه داران غنی سرمایه داران بیگانه برست میباشد و قدم ندارد و نمی خواهد دست امپریالیستهارا از ایران کوتاه کند.

اما ما خود چه می گوئیم؟ ما میگوئیم باید دست دشمن اصلی ما یعنی امپریالیستها از ایران کوتاه شود. ما میگوئیم باید از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی از زیر ستم بیگانگان خارج شویم. ما میگوئیم: باید سرمایه های سرمایه داران وابسته را معاذره و ملی کرد و اداره کارخانجات را به شوراهای کارگری سپرد.

ما میگوئیم باید زمین های اربابی را بین دهقانان تقسیم کرد. باید کلیه دیون کشاورزان را لغو نمود. باید در دهات تمام امکانات رفاهی را بوجود آورد.

ما میگوئیم باید حقوق خلق کرد. عرب، ترکمن و بلوچ را در چارچوب ایرانی دموکراتیک و آزادی به رسمیت شناخت.

ما میگوئیم باید حق کار، حق اعتصاب، آزادی احزاب، سندیکاها، اتحادیه ها و نظایر آن، آزادی بیان و قلم و عقیده و مذهب تأمین شود.

ما میگوئیم برای اینکه بتوانیم چنین کارهایی را انجام دهیم باید کارگران و زمینکنان خود حکومت را در دست بگیرند.

وقت من به پایان رسیده

بلکه ما را که از منافع زمینکنان دفاع میکنیم، متهم به انقلابگری میکنند و بسا میگویند انقلابگر، به کمونیستها سهم میزنند و اجازه نمی دهند تا از خود دفاع کنند. ولی ما کمونیستها بطور سیستمی که مخالفین ما میگویند و آنها شیکه آگاهی کافی ندارند باور میکنند. مخالفین ما به ناروا میگویند که کمونیست ها میخواهند زنان را اشتراکی کنند و فساد را رواج دهند. این یک شتم نادرست است. بعضی کمونیستها میخواهند هر گونه فساد را از بین ببرند و زنان هم با مردان مساوی باشند. آنها میگویند کمونیستها می خواهند با خدا محاربه کنند. در صورتیکه مسئله این نیست و همانطور که گفتیم کمونیستها خواهان آزادی عقیده و مرام و مذهب برای همه هستیم. بعضی ها میگویند درست است که کمونیستها رفاه مادی، نان، مسکن، کار و غیره را برای همه فراهم میکنند، اما در جامعه کمونیستی از ممنوعات خبری نیست. این باور درست است. در جامعه کمونیستی ممنوعات از همه بیشتر است. فرهنگ و آموزش برای همه رایگان است. هنر و ادبیات و دیگر عوامل معنوی از همه بیشتر رشد میکنند.

بعضی ها میگویند کمونیستها وابسته به کشورهای خارجی و بخصوص وابسته به روسیه هستند. این هم درست نیست. کمونیستهای واقعی فقط به زمینکنان و بخصوص کارگران تکیه دارند.

اگر از این آدمها بپرسید دلیل و مدرکشان چیست عجزی را مثال می آورند که به شوروی وابسته بوده و میگویند این حزب میخواهد ایران را به شوروی وابسته کند. ولی این مطلب ربطی به کمونیستهای واقعی ندارد کمونیستهای واقعی با هر نوع وابستگی، سهر کسی که باشد، چه آمریکا و چه روسیه و چه در دولت دیگر، کاملاً و جدّاً مخالفند. کمونیستهای واقعی با هر کسی که بخواهد ایران را وابسته کند، مخالفند و با او مبارزه میکنند. یکی از دلایلی که کمونیستها دشمن سرخشت شاه بودند و شاه خائن هم البته دشمن کمونیستها بود، همین بود که شاه، ایران را به آمریکا وابسته کرده بود، بطور کلی دو دسته افراد این اتهام ها را به کمونیستها میزنند. یک دسته آنها میگویند که منافع شان، با خواستهای کمونیستها، به خطر می افتد، یعنی مفتخورها و سرمایه داران و عمال آنها و دسته دیگر آنها شیکه آگاهی ندارند و کمونیسم را نمی شناسند و هرچه دشمنان کمونیسم گفته، آنها هم باور کرده اند و تکرار میکنند.

بیشتر از این فرصت نیست که در مورد نظرات خود - ما توضیح دهیم و اگر فرصت دیگری بدست آید دنباله برنامه هايمان را توضیح خواهیم داد.

به امید پیروزی نهائی کارگران، دهقانان، زمینکنان و خلقهای فهرمان ایران

قسمتهائی از پیام تلویزیونی رفیق آلابوش

در جریان انتخابات مجلس خبرگان

درد به شهادی راه آزادی.

کارگران، زمینکنان و خلقهای فهرمان ایران.....

تلویزیون ما در دقیقه هفت داده تا برای اولین و آخرین بار نظرانمان را بیان کنیم.

آنها بنظر شما فقط طرف دقیقه میتوان نقطه نظرها و برنامه های خود را توضیح داد؟

آنها رادیو تلویزیون بطور مساوی و به اندازه کافی در اختیار گروهها و سازمانها قرار گرفته است تا عقاید و نظرات خود را برای مردم توضیح دهند؟ و با فقط در شمار گروه خاصی قرار داشته است؟

برای ظاهر به اینکه انتخابات آزاد است و امکان نامتدلیماتی برای همه بکسان، در آخرین دهفائی نزدیک به زمان انتخابات، دقیقه هفت در اختیار کاندیدها قرار داده و گفته اند نظرات را بیان کنید؛

مسئولین این امر مدت ها قبل ذهن مردم را نسبت به کمونیستها و نیروهای انقلابی مسموم کرده اند. آنها با توجه به این مسئله، این انتخاباتی آزاد است؟

با توجه به همینکه این انتخابات، تدوین قانون اساسی دارد، آنها شما مردم مبارز با نظرات و عقاید گروههای مختلف به اندازه کافی آشنا شده اند که به آنها رای دهید؟ آنها در شرایطی که عناصر شناخته شده

دیگر مثل سرمایه داران بدون اینکه به خودتان رحم کنید، دهنده را حامل کار زمینکنان استفاده کنید. بعضی ما مخالف استثمار هستیم. ما میخواهیم مسکن، رفاه، فرهنگ، بهداشت، تفریح و خلاصه همه چیز متعلق به همه باشند.

ما میخواهیم دزدی و فساد و فحشا از بین برود. ممکن است بگویند که همه کی همین حرفها را میگویند. سرفق شما تا آنها چیست؟ جواب ما روشن است. ما میگوئیم تا وقتی سرمایه داری هست، فقر هم هست. تا وقتی سرمایه داری هست، ظلم هم هست. تا وقتی سرمایه داری هست، ستم هم هست. تا وقتی سرمایه داری هست، ارس و بلس و زندان و سرکوب هم هست. و بالا - خرد تا وقتی سرمایه داری هست، بیماری، دزدی، فحشا، فساد و خیلی چیزهای دیگر هم هست. تازه از همه اینها گذشته در ایران، تا وقتی سرمایه داری هست، وابستگی هم هست و ما همیشه محتاج به خارج هستیم و سرمایه داران بزرگ دنیا، یعنی همان امپریالیستها منابع ما را غارت میکنند، و زمینکنان ما را هم استثمار میکنند و نمی گذارند تا آزاد و مستقل باشیم. تا این جهت است که ما میگوئیم که جامعه را باید از این تغییر داد و جامعه ای ساخت که در آن سرمایه داری حاکم نباشد.

در جامعه ای که ما خواهان آن هستیم جامعه سوسیالیستی است. یعنی ما میخواهیم بجای سرمایه داری سوسیالیسم باشد. در جامعه سوسیالیستی دیگر این سرمایه داران و ترومپدان نیستند که حکومت میکنند. بلکه کارگران و زمینکنان حکومت را در دست دارند.

در جامعه سوسیالیستی همه برادرانه کار میکنند و یکسانند و کار بی بهره میرود و کسی گرسنه و بیکار نمماند.

در جامعه سوسیالیستی، همه از رفاه، بهداشت، تفریح و مسکن استفاده میکنند. در جامعه سوسیالیستی همه زمینکنان و کارکنان جامعه، از آزادی کامل برخوردارند. هر عقیده و مذهب و مرامی آزاد است و هیچکس را بخاطر عقیده اش اذیت نمیکند و مورد آزار قرار نمیدهند و سرکوب نمیکند. در جامعه سوسیالیستی از دزدی و فساد و فحشا خبری نیست، چون علت همه اینها فقر است. و وقتی دیگر کسی فقیر نباشد و آموزش هم برای همه رایگان باشد، دلیلی ندارد که به این نوع کارها رو بیاورد. چون برای همه کس امکان کار شرافتمندانه وجود دارد.

وقتی جامعه سوسیالیستی پیشرفت زیاد کرد، وقتی دیگر شعور و آگاهی مردم بالا رفت، وقتی صنعت و کشاورزی پیشرفت کرد و دیگر استثمارگر و استثمار - شونده وجود نداشت، وقتی جامعه آنقدر جلو رفت و پیشرفت کرد که هر کسی به اندازه توانائی اش کار کند و بقدر احتیاجش از تولیدات جامعه استفاده کند، آن وقت ما میگوئیم که جامعه اشتراکی یا کمونیستی است. البته ما می دانیم که ساختن جامعه سوسیالیستی و جامعه بی طبقه کمونیستی، که در آن همه با هم برابر باشند و از ظلم و جور و فساد و غریه خبری نباشد کار امروز و فردا نیست. احتیاج به زحمت و کار زیاد دارد و به خصوص احتیاج دارد که زمینکنان و بخصوص کارگران که سارده جامعه سوسیالیستی هستند، خوب آشناسند. در مرحله کنونی که دشمن اصلی خلق ما امپریالیسم و وابستگی مزدور داخلی آن میباشد برنامه حداقل ما قطع کامل سلطه امپریالیسم در زمینه های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، معاذره سرمایه های خارجی و وابسته، لغو قراردادهای ظالمانه با کشورهای امپریالیستی و منطقه طلب، معو کامل بقایای فئودالیسم و سهرن زمین به دهفائاتی که روی آن کار میکنند، ترک کارگران در اداره و نظارت مؤسسات تولیدی، سرکوب کامل مد انقلاب و بقایای آن، برسمیت شناختن حقوق ملی خلقهای کرد، ترک، عرب، بلوچ و ترکمن، تأمین حقوق و آزادیهای اساسی زمینکنان مانند حق کار، حق اعتصاب، آزادی احزاب، سندیکاها و اتحادیه ها، نظایر آن، آزادی بیان و قلم و عقیده و مذهب است که پیروزی این برنامه مستلزم استغرا از جمهوری دموکراتیک خلق، یعنی حکومت کارگران، دهقانان و دیگر اقشار طبقه رهبری طبقه کارگر است.

اما دولت کنونی نه تنها این کارها را نمیداند